

قرن بیستم

صاحب امتیاز و نویسنده اساسی : ر. میراد غنوی

مقتسیا

به مناسبت انتخابات دوره پنجم

آدمک های چوبی

خبر ها بی استفاده برای اطفال خورد سال دوی يك چوبه خراطی شدنی با صبره با وضع بزم زرع يك آدمك كوچك چوبی درست میکنند دست های آن آدمك چوبی را طوری ترتیب میدهند كه در موقع سكوت به بالای چوب چسبیده و دست آن آدمك بحالت طبیعی متصل بر آن چوبه هودی ایستاده است شاه كار كه در این بازیچه بكار برده شده این است كه در يك ریمانی بدست و پای آن اسكات تخته تخته و از سوراخی كه در بالای آن چوبه است میگذرانند و همین وسیله هر وقت آن ریمان كشیده شود آدمك چوبی با كمال چابکی بر بالای چوبه جستن كرده و پس از رهگذر ریمانی پایین می افتد و وقتی الدوله آن بجا رسیده

و صنعت كبر طرار و حقه باز زیر دست موضع زمام داری خود و زمان انتخابات دوره حاضره عده از همین آدمكها را جمع آن خصوصیات با سم و كلای ملت ساخته و دست و پا و جمیع افكار و اراده آنها را به يك ریمان حلی و بند مخصوص بسته از سوراخ كریهای پارلمان گذرانده و سر آن رشته را بدست نمایند دولت انگلیس سپرده كه هر وقت آن ریمان را آنها بخواهند بكشند و آن آدمكها از جای جستن كنند هر وقت نكشند آنها نشسته باشند این را هم بسكروم كه قسمت اعظم مجلس را نمی توان در دین آدمكها فروش كرده ولی يك يك میان آنها از این آدمكها پیدا میشود میگردید

حالا یکی از آنها را نشان میدهم

جناب آقای حاجی میرزا عبد الوهاب (آن خرابه گوشت) ایشان هر وقت بر میخیزند من یقین میکنم كه آن ریمان مخصوصی را كشیده اند اگر بخواهید آن ریمان را به بیاند آن ریمان غیر صحت نیست ولی يك نمونه از آن ریمان را ذیلا بنظر قارئین میرسانم

سروا مرساله و پس منسول انگلیس هادر همدان به یکی از دوستان خودشان وین قنصل بریطانیا همدان ۲۶ شوال ۱۳۳۸

خدمت جناب خطاب دوستان انجمنهای مشفق محترم وهران آقای حاجی میرزا عبد الوهاب دامت برکاته

پس از طی مراسم اراکیت و مودت باطنی لازم آید بعضی استحضار خاطر شریف مشروعه ذیل را تصدیق و بعد از اقرار اطلاعات واسطه دوسه روز قبل مجلس از کلامه آقایان و خوانین معظم شهرت شکیل و جنابهای هم در آنجا شریف داشته اند و پس از مذاکرات جدی و با قرار شده و رای داده اند كه نكرا نی بجای به تماشای رفع مزاحمت اغیار باستان اقدس شهر یاری شاه ایران مجاز به امانت اولاد دوسه دار از این حسن نیت جنابهای و سایر اهالی شهر نهایت تشكر را دارم كه اغلب اوقات وقت خودشان را صرف رفع ظلم اغیار میفرمایند البته این نوع اقدامات بسیار مفید و شرمند و ناشی از جدیت اهالی و رفع اغتشاشی از خود و همراهی آنها با اشخاصی كه كمك آنها را مینمایند خواهد بود چون میدانم كه ممكن است در آنجا برای طرح همین مذاکرات حساسی تشكيل بشود و البته جنابهای هم تشریف خواهند داشت این است بعضی اطلاع خاطر جنابهای و عموم طبقات محترم مردم اشتهار میدارد كه در چندی قبل موقعی كه در داد جزئی اغتشاش از طرف بعضی اشخاص هرج و مرج طلب بی اهمیت شروع شده بود حضرت اجل آقای میرزا حسن خان آملی هادی عراق عرب و ایران مجلس از طبقات اهالی بغداد بکمال دافه و خرد ایشان دران مجلس گفتی فرموده و اشعار داشته اند كه اهالی بغداد باید بخوبی متبوق باشند كه نظامیان دولت فتنه انگیز فقط بواسطه تقاضای مجمع اتفاق مال عهده دار تشكيل حكومت آنجا بین انورین شده و نمل و نملایه

مناسفانه رخ میدهد برای خلدو جهانی است كه ما نمیتوانیم باین آسانی حل كنیم مثلا مواج سزات بقتضی ما در قبل حكومت آنها بین انورین اولاد بواسطه طول مدت جنگ بین اهالی و امتداد قبول امضاء صلح عمومی و قبول ماده صلح خصوصی با دولت عثمانی و غیره و غیره بوده ولی من امید دارم كه دولت باین زودی ها موفق با اقدام مقصد خود بشود و متها و مهم ترین خبری كه باید خاطر نشان آقایان نمود این است كه در هر موقع دولتی با مددگی قومیت امور جنبانی و غیره دولت و مملكت دیگری را میدهد خیر شود اول و مهم ترین شرط آن این است كه افراد و اهالی آن مملكت كه قوم لازم دارند همواره در فكر اصلاح نظامات امور مملكتی خود باشند و نشا موضعی كه شمس قریب و نظم خود را داده و اسباب هرج و مرج مملكت خود را از دست بر وسیله مرتكب میشوند دولت دیگر چگونه میتواند قومیت شمارا بعهده خود بگذرد و اول چیزی كه برای اصلاح این مملكت است این میباشد خواهد بود كه اسباب انظم مملكت را بهر شكلی كه ممكن است فراهم نموده و بحری دارند زیرا اهالی بغداد مخصوصا شورشیان باید بخوبی بدانند كه تمام اقدامات آنها بر علیه اصلاحات امور وطن خود آنها خواهد بود فقط اسباب جزئی مطلق كار و موطان محترم خودشان خواهد كردید بطور حتم بداند من اوضاع را قدری قیاس نموده و از نظامیان دولت فتنه تقاضای رفع این زحمت و غائله بنمایم بوقت باز انداز قشون و قوا حاضر مینماید كه هیچ قوه از بین انورین و اعراف آن طاقت مقاومت نداشته باشد و چار بیری آزار نشود لهذا بوسیله التماسات شما میگویم كه بكنی در سر جای خود راحت و آرام باشید و بعد در خیال انورینی بر علیه اوضاع كزونی ایستید زیرا كه فقط ضرر و مضران آن بخود شما و هموطنان محترم شما را خواهد بود و در آخر نطق خودشان فرموده اند دولت انگلیس قومیت بین انورین را فقط بواسطه تقاضای مجمع اتفاق مال عهده و گت كفايت خود گرفته (باندای باند و باند) هیچ وجهی انوجوه امکان ندارد كه دولت قزاقكه قند در بین انورین دارد بیرون ببرد مگر موقعی كه شوق مجمع اتفاق ملی را راضی و قانع نمایند كه دیگر بین انورین احتیاجی بوجود و حضور قوم ندارد و خود بنهانی میتوانم حكومت خود را اداره نماید و این مسئله هم ایضا ممكن نخواهد شد زیرا كه بین انورین همواره تا مدت بسیار مسامحی محتساج بوجود

مربی خواهد بود این فوق را در نیم ماه چون قریبی ۱۹۲۰ در چهل و چهارم قیل در بغداد و حضور عموم اشراف بغداد فرموده اند در مقامه نقاضا داد هرگاه تاگون نكرا نی طهران بخبر فرموده و بامیران امید سوادان را حقه دوست دار ارسال دارند كه دوستدار هم بین آن را با قلابی ترجمه و بطهران خدمت جناب وزیر مختاره دولت فتنه انگیز ارسال خواهم داشت بدین وسیله مودت و درستی صمیمانه خود را تجدید مینماید (قنصل و حاكم سیاسی دولت فتنه انگیز مقیم همدان)

عرض از قری كویا روشها است معلوم میشود كه انگلیسها خود شان را با ما غیر نمیدانند بلكه خودشان میدانند با شاید فقط با آقای حاجی میرزا عبد الوهاب خودشان هستند

باری از این مرساله چنین فهمیده میشود كه در كلیه تقاضای قنصل كری و با سفارت باقی حاجی میرزا عبد الوهاب دستور داده میشود و تمام نشست و برخواست جناب ایشان متوط با سر و نیمی نمایندگان دولت انگلیس است ایرایما

اینهمه همه نتیجه دوسال زمامداری و قی الدوله است ایرایما

فكر بكنید به بینید چند شرم آورد است كه وكیل و نماینده يك مملكت در امور جهانی رای خود را سیر اراده يك دولت دشمنی بداره گذشته گذشته است ایرایما

برای دوره پنجم در فكر باشید لافل كاری بكنید كه این قبیل مزدور ها داخل مجلس نباشند همدانیا

مراسله فوق را بخوانید و فهمید كه چه آدمی نام و كالت و نمائندگی از طرف شما در مجلس شورای طهران داشته است در صورتیكه روح عموم اهالی همدان از این مرد مزجر است و ایشان در حقیقت وكیل پسر فرمانبرما سالار لشكر هستند

(عبدالباقر رحیم كرده و بمحمد باقر این قبیل اشخاص در مجلس ناآن اندازه

صفحه ۱۷

تقاش - (پس از مدتی تپ) - نه تو چرا كه ای میگی چه كه - آقا پس چكار كم

تقاش - تو كری كن مراد زده دیگر هست با من بزنجار میاق فرمان می - بی ترا می آید با سر آید تقاش - پس پدر داره

بچه كدا (با مقام) كدا می من - كدا می من - كدا می بنوا می من - بسختی مبتلا می من - تقاش - از حال زار من - یتیم بی كسم با با ندارم - آقا آقا پول يك كف نان تقاش - [با مقام] بیاهمرا من ایدول - از این ویرانه شو بیرون - مكن گریه مشو عزوف - كه می آتی بكار من - غم غم خور ای پسر بابای تو من - بچه بیانی با من بزنجار

بچه كدا - (با مقام) غم یتیم یتیم - با با ندارم - آقا آقا پول يك كف نان

تقاش (با مقام) شوی همه شب و روزم - چو با با تو دنوزم - نورا تقاش آموزم - شوی در انوار من

1000

مظالم از بازیچه‌های فرمانفرما

محمد ولی میرزا وکیل صالح

شرح متصل حیرت آوری از طرف آقای امجدالسلطنه با اسناد و مدارک صحیحی بداره رسیده و نظام غمده که شاهزاده مزبور بآن در هزار تومان طلب حقه برادر من ارفع السلطان که از دولت بابت حقوق عقی بوده دریافت داشته و در همان موقع برادر من مقتول و اموال او غارت گردید قریب دو سال است که بدولت و پارلمان مظالم بوده و جمعی از وکلای محترم میده دارا اصلاح این امر شده اند و تاکنون به هیچوجه در مقام استرداد طلب حقه ورثه برادر من و پیامده و بامروزی فرودامیگزارد و چند نفر از وکلای محترم از قبیل شاهزاده سلیمان میرزا و آقای کازرانی و آقای معتمدالتجار و آقای ناظم الدوله که در کار بوده اند و از قضیه مجبور مطلع اند از حل مطلب عاجز گردیده اند و متاضا غمده بنام آزادی مطبوعات دو احقاق حق ورثه برادر مقتول لاولیاء دولت را تذکر دهیم که بحال است آفر انما عطف توجیهی فرموده احقاق حق آنها را بنمایند

و ما هم بواسطه ضیق صفحات مجالنا از درج عین مکثوب وانهاد و مدارکی که بخط و امضاء خود محمد ولی میرزا میباشد خود داری غمده بمرات آتیه موکول مینداریم و همین طور اولیای دولت را تذکر میدهیم که بدون ملاحظه شاهزاده بودن و وکیل بودن، بسر فرمانفرما بودن تمییز در قانون روا نداشته احقاق حق مظلومین را بفرمایند

(علاقه مندان بدین معارف را بشارت)

کاز تاریخ دوم حوت (تبریز آستان) درخت تعلیمات آقای افان الله معارفی شروع میشود و هر ادم بی سوادی که حتی خواندن (الف با) را هم نتواند یک ماهه با آن شیخ تلمیذ کس که خود ایشان اختراع نموده اند فارسی بخواند و در کتب معین بدین تحصیل اسان خود را بقرائن خانه ترفی کارگران معرفی نموده از بیم سبوت بعد از ظهوری دو ساعت بعد از ظهر بقیه از ایام تعطیل عمومی ایشان برای تدریس حاضرند استفاده نمایند - در خانه بیداست که در تحت تعلیمات این طرز جوانان نحاس و علاقه مندان به معارف این همه بدبختی که از جهل و بی علم ناشی میشود مرتفع نایم - و شما تذکر بدهید که کلاس آگاه شایه برای تحصیل اله - فرانسه - روس - انگلیس - - - - - دایر خواهد بود مدبر فراخوانه ترفی کارگران محمود - - - - - فپروز بخت

پوشیدن کویبی

افدوس هر وقت قلم برداشتم از شرح پریشانی بسد بطنی خود چیزی بگویم هر وقت خواستم خوابه دل را با یک نوک قلم بر این صفحات جاری سازم هر وقت ترازوهای قلب مجروحم میروید با صدای ملایم نوک قلم هم آواز گردد و بالاخره هر وقت خواستم شرح اشده گی خود را تحریر کنم بقدری خاطره های هولناک از مخیره ام قبور و در نظرم عرض اندام دارد که تمام مکتوبات قلمی خود را فرووش میکنم سینه میگرد که من تنگ آدم فریادکن افدوس صد افدوس

مقدرات تاریک من با قلم شایه بر سر چهره نیاگون طبیعت بدست تقدیر مرتسم شده است حس مجروحیت قلمبندی خیالی مرا آذیت میکند برای تسلیت خاطر افروزه باز میخواهم درد دل کرده باشم اما نمیتوانم چه

بگویم چه بنویسم - با چه زبان تقریر کنم - زیرا بقدری افساب من حساس شده - بقدری ظلمات روحی بدنامم زور آور کرده اند تا باندازه احساسات تاریک دقیق مشاهدات روحی و معنوی مرا از فشار هولناک این حقی مسموم این جامه فاسد از م رات تاریک زنده می این زندگانی شرم آور تجدید میکند که حقیقه با کمال میل از زوی مرگ دارم قاش بکمر بنه در گرداب مرگ در سپاه جال این و تا فرورفته باین مرقومات و اطهارات و با اظهار این احساسات هم دل خوش نمیگردم

برای اینکه این ضجه ها و ناله های مظلومانه بکوش جویا فان ما نمیرسد و این کوفته شدن ساده این برادران غفات زده ام باین حرفها کوش نموده و از این استغاثه و فریاد ها چیزی نفهمیده بخود نمی آیند رانی زبندگی بی برای جبریت ما چه

بگویم و مراجعه کنید چون در این جلسه همین شده بود پیشنها دانی از طرف بعضی آقایان راجع بدستور شده و در حسب تقاضای آقای حاج میرزا مرتضی برای مطرح بودن قانون انتخابات رای گرفته تصویب شد شاهزاده محمدولی میرزا اظهار داشتند

جلدی قبل پیشنهادی بانهضای شانزده نفر از آقایان قدیم شده متاضا دارم قرائت شود پیشنهاد مزبور قرائت و مفاد آن این بود که بیلیج پنجاه هزار نفری که برای اعالی اهلای اروپا در تجارتخانه طومانیان کتانیته شده خویش برای رفع بچار کمالی اهلای اروپا بینه توقیفی تجارتخانه را با نظارت وزارت مالیه بفروش رسانند و اعالی اهلای بالتمام کار سازی شود

بکثر از آقایان با افتاء مختصر دلی مخالفت نمودند

ماده بیست و دوم قانون انتخابات قرائت شد و مختصر مذاکره بر اطراف آن شد چون مخالفی نبود ماده بیست و یکم و بیست و چهارم قرائت و بیک دقیقه از ماده بیست و پنجم دو ماده بیست و ششم و بیست و هفتم قرائت گردید و مطالبات لازمه راجع بماده بیست و هفتم و آقای اقبال السلطان بیک روز تفرقه دادن و رای گرفتن مخالف بوده چرا که اولاً باعث پیش آمد بعضی اشکالات برای انجمن های نظار خواهد شد و بجز اعمال نفوذ های شخصی هم در آن میشود و عقیده شان این بود که بگفته تفرقه گرفته بوقتی دیگر اراء خود را بخواهند در صندوق ایشان که تا درجه فکر کرده شاید از جهت نفوذ اشخاص قرار کرده نه اینکه بیکای سبب هات از آنها شده بود و در آوازه در تحت نفوذ اربابان خود بشهر آمده فی الفور اخذ تفرقه نموده اسم ارباب را بنویسد و در صندوق انداخته مراجعت کنند

ع همین شده قرائت شد حاکم شرع مجازات نماید به حکومت محل یا بوطه باشا از سبکه با آن پوزا نیک بگفتند صد تخم مرغی دریافت نمایند را تراشیده این آبادی آن آبادی قرن بیستم

اوضاع گرماشاه

ریکه اطلاع حاصل نموده ایم اوضاع احوال بجزیرک شاهزاده نصرت الدوله س انتخابات جدید بطوری وخیم و شده است که شب و روز در کچه ها پامس چندین نظامی عراقی و سوار و پیاده از مکتدین نصرت الدوله هم میخارند با آنکه وکیل شود زور کش و از این جهت سبب امنیت اعالی گردیده و وفور گرفته این هرج و مرج بدسایس مختلفه بالا کشیده و اوضاع نری را خواهد آورد

الاشورای ملی

لایحه مذاکرات دوم یکشنبه بحوت لایحه ریاست آقای مؤمن الملک تشکیل شد جلسه دوم قبل قرائت و بابت تفرقه تصویب گردید

دو آقای رئیس برای تجدید اجازه بی تفرقه آقای مساوات بواسطه امتداد کدالت ایشان که بگویند هم تصویب بود رای گرفته تصویب شد

آقای شیخ اسدالله با این قبیل اجازه غالب بوده و عقیده داشتند که شخص لایحه از مجلس تقاضای مرخصی کند فقط بصندیق طبیب از حضور در مجلس خواهد بود

آقای رئیس چون این عقیده مخالف لایحه است اگر پیشنهادی داشته باشند

صفحه ۱۹

فرمان مل - هیچ سفارش کردم بشما خوب خدمت کند که شما از او را می باشد - (فتش و بچه گداه ها دو خارج می شوند) قرائت ملی - (با خود) ایان یک بلای بی این مرد خواهد آورد یک چیز را خواهد دیدد امروز خوب لقمه گیر آمی (بکثر حال با بیانه و افروزی و گله بارش را برای دفع شگنی بزمین می گذارد فرمان عل - (پنجم تب می بکشد) ما ها تو عهد ما شمس بر حاکم عهد رضا اوف اوف لوفی - (خیال زنی طولانی می کشد) فرمان علی - چرا این روز اندادی پدرت که دا را ای آلف و اوف دوران تجارت خانه شما هم اوف اوف بود جمال - ای بابا و افور و افور دیگر چه بگویم داه سهری می کشد آملک خوشتره

هر که اندر زندگی با بند بر تریاک شد

زنده نازد در حساب او را حسابش باشد هر جوانی یک دو سال لب باین هنریت زد بر شد فروت شد مرد استخوانش خشک شد بارها بیدم گزین سر ما به ادب او فقر کترین بی چیز و با زور تر بن ملک شد